

## نقش زنان پس از انقلاب و استقرار نظام مشروطه

صالح امین پور<sup>۱</sup>

سنور خدائی<sup>۲</sup>

بیان شفیع<sup>۳</sup>

### چکیده

با انقلاب مشروطیت میدان مناسب و وسیعی برای تعلیم و تربیت زنان آغاز شد. جنبش مشروطیت ایران، به لحاظ تأثیرات شگرفی که بر سیاست و فرهنگ کشورمان گذاشت، نقطه عطفی در تاریخ این سرزمین به‌شمار می‌رود. این جنبش تاریخ‌ساز، انرژی عظیم ملت مسلمان ایران را آزاد و (تحت رهبری روحانیت بیدار و مبارز) به‌طور همزمان، در دو جبهه مبارزه با «استبداد داخلی» و «استعمار خارجی» به جریان انداخت. از آنجایی که حضور زنان به مبارزات انقلابی ختم نمی‌شود و اتفاقاً این انقلاب سرآغاز حضور اجتماعی و سیاسی زنان ایران است باید به این نکته نیز توجه داشت که بلافاصله بعد از برقراری مشروطه در کشور دو گرایش فکری متفاوت میان زنان و فعالیت‌های آنان بازتاب پیدا کرد. مهم‌ترین و درخور توجه‌ترین ویژگی مطالبات زنان در عصر مشروطه این است که آنان هیچ‌وقت در جریان مبارزات انقلاب به‌دنبال طرح خواسته‌های صنفی نبودند، اما پس از پیروزی انقلاب زمان آن رسیده بود که در این باره نیز دست‌به‌کار شوند. وضعیت زنان نیز در این دوران با تأثیرپذیری از وضعیت حاکم بر جامعه تعریف می‌شود. در این شرایط سیاسی، اجتماعی، زندگی زنان تا حدود زیادی محدود شده بود. با وجود این، آنان در برخی فعالیت‌های اجتماعی، مانند تفریحات دسته‌جمعی (در جمع زنان)، امور خیریه، گردهم‌آیی‌ها و مراسم مذهبی، دخالت و مدیریت مستقیم در اداره منزل و تربیت فرزندان و در موارد معدودی نیز امور اقتصادی مانند اداره امور زمین‌های کشاورزی یا تولیدات صنایع دستی شرکت می‌کردند. به این ترتیب، زنان در جامعه ایرانی نیروی بالقوه و پنهانی بودند. که مهارت‌های اجتماعی و فرهنگی را در سطحی محدود به دست آوردند. اما به دلیل نبودن شرایط اجتماعی و سیاسی مناسب نمی‌توانستند جایگاه مناسب خود را در اجتماع بدست آورند. زنان در دوره معاصر تاریخ ایران همانند دوره‌های پیش از آن، چندان نقشی نداشتند، و اگر هم در گوشه و کنار تاریخ از نقش آنان سخن به میان آمده، این نقش بسیار اندک است. زنان تاریخ معاصر دارای نقش بوده‌اند، ولی این نقش مثبت و

<sup>۱</sup>. استاد راهنما، دانشگاه پیام نور سقز، saleh.aminpoor@gmail.com

<sup>۲</sup>. دانشجوی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه پیام نور سقز، dlaramkhodaiy8147@gmail.com

<sup>۳</sup>. دانشجوی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه پیام نور سقز

ارزنده نبوده، بلکه اغلب آنان به ایفای نقش حرمسرایبی و ... پرداخته‌اند. نقش اصلی در تحولات سیاسی اجتماعی یک سده اخیر را زنانی که نه در دربار بوده‌اند و نه از طایفه روشنفکران، برعهده داشته‌اند، به دلایلی چون دسترسی نداشتن به امکانات چاپ و نشر و... چندان در تاریخ معاصر برجسته نشده است. **کلید واژه ها:** انقلاب مشروطیت، جنبش زنان، تاریخ مدارس دخترانه در ایران، تاج السلطنه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

زنان در زمان مشروطه برای اولین بار، پا به پای مردان در نهضتی بزرگ حاضر شدند تا سرنوشت خود را بسازند. در این میان زنان نیز بر شان و جایگاه و حقوق اجتماعی خود تاکید می کردند.

حضور زنان در این نهضت از دو نظر اهمیت دارد، نخست از آن نظر که در برخی وقایع حضوری فعال و مؤثر داشتند، مشارکت های نیمه سرنی آنان نیز مورد توجه بود، به عنوان نمونه هنگامی که در خطه آذربایجان ستارخان، سردار ملی، علیه استبداد قاجارها و سلطه بیگانگان قیام کرده بود، در میان کشته شدگان طرفدار وی، پیکر بیست زن مشروطه طلب یافت شد که در پوشش و لباس مردانه در مبارزات شرکت کرده بودند. با انقلاب مشروطه زنان نیز همانند مردان پا به عرصه فعالیت های مختلف اجتماعی گذاشتند و در ساختن جامعه خود همدوش مردان مشارکت کردند.

حضور زنان در فعالیت های سیاسی آن دوره یک بخش از اثرگذاری زنان در انقلاب مشروطه است و بخش دیگر شامل حوادث و رویدادهایی که به زنان ارتباط داشت. جریان فروش دختران قوچان یا حادثه گریبایدوف، از جمله این موارد است.

پس از صدور فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین شاه، نخستین دغدغه مردم و انقلابیون، تدوین قانون اساسی بود. به سلطنت رسیدن محمدعلی شاه و آغاز مخالفت های وی با مشروطه خواهی، بار دیگر مبارزات مردمی را گسترده تر ساخت. زنان در طول این مبارزات، حتی از نثار جان خود نیز نمی هراسیدند. برخی از آنان با پوشیدن لباس مردانه در صحنه های جنگ حضور می یافتند و تنها پس از کشته شدن آن ها مشخص می شد که زن بوده اند.

از این رو به جرات می توان گفت مشروطه، فقط محصول کار مردان نبود، بلکه زنان به شیوه های مختلف در آن شرکت داشتند.

## هدف

جنبش مبارزه برای حقوق زنان در ایران عمدتاً ریشه در انقلاب مشروطیت دارد و این انقلاب را باید مبدا و منشا فعالیت سیاسی و اجتماعی زنان در تاریخ جدید ایران محسوب کرد. زنان پیشروی آن عصر که بیشتر از طبقات بالای اجتماع بودند، با ورود به عرصه مبارزات سیاسی به تدریج در انجمن های مختلف متشکل شدند و مدارس جدید دخترانه، کلاس های آموزش بزرگسالان، درمانگاه و انواع نهادهای دیگر تاسیس کردند. آنان با وجود این که از حکومت مشروطه هیچ گونه کمک مالی دریافت نمی کردند و حکومت جدید حتی آشکارا زنان را از دخالت در امور سیاسی منع می کرد، توانستند با گرد هم آمدن و تشکیل انجمن هایی هر چند اندک تغییرات مهمی در زندگی بسیاری از زنان شهری پدید آوردند و پایه های زندگی نوین زنان ایرانی را بنا نهند.

جنبش مشروطیت، خواستار اجرای عدالت، آزادی از یوغ ستمگران، و نظارت و دخالت مردم در سرنوشت کشور بود. این آرمان مقدس — که راه را بر تأسیس و فعالیت انجمن ها، مؤسسات و جراید

گوناگون و فراوان کشور بود — عملاً محملی برای استعمار و ایادی رنگارنگش شد که به اسم مشروطیت، آزادی و عدالت، به میدان آیند و ضمن نفوذ در انجمن‌ها، مؤسسات و جراید موجود و سمت‌دهی حساب‌شده به کار آن‌ها، انجمن‌ها و جراید و مؤسسات تازه‌ای با عناوین و اهداف نو و فریبنده به وجود آورند و از آن‌ها در جهت پیشبرد اهداف خود بهره‌جویند.

شماری از زنان در جریان این جنبش در مقابل عناصر سازش کار و محافظه کار ایستادند و گرچه خود از حامیان مجلس بودند ولی ناتوانی آن را در حل مسائل اجتماعی و اقتصادی تحمل نکردند و نمایندگان را به باد انتقاد گرفتند، آنان وقتی که دیدند تحصن کنندگان تنها شده‌اند، کوشیدند در یک جمع چند هزار نفری به آنان بپیوندند، همچنین در حمایت از کالاهای بومی و عدم خرید منسوجات اروپایی و تأسیس بانک ملی مشارکت کردند، در تبریز زنان طی اجتماعی ضمن تحریم اجناس بیگانه از مردم خواستند برای مدتی لباس‌های قبلی خود را بپوشند و امیدوارانه به تولید جامه‌های خودی چشم بدوزند، وقتی مظفرالدین شاه فرمان مشروطیت را توشیح کرد مجلس تقاضای زنی را منتشر ساخت که خواستار حمایت رسمی از آموزش زنان و مشارکت اجتماعی ایشان شده بود. در این نامه که خطاب به سیدمحمد طباطبایی انتشار یافته بود، از دولت تقاضا می‌گردید که مدارس دختران همچون مراکز آموزشی پسران مورد توجه قرار گیرد و اجازه ندهند زنان از ترقی اجتماعی و فرهنگی محروم بمانند، در پاسخ مجلس که حاوی نظر اکثریت مشروطه خواهان بود تصریح شد با وجود این همه تحولات، ضرورت دارد پایگاه سنتی مرد و زن بدون هیچ تغییری حفظ گردد و اگر چه بین زن و مرد از نظر درک و شعور تفاوتی وجود ندارد. اما با این حال نوعی آموزش محدود برای زن‌ها کافی است، بدین ترتیب زنان قبل از آن که منتظر کارگزاران وقت باشند به سازمان‌دهی خود پرداختند و به شیوه‌ای خلاق به تأسیس و اداره مدارس زنانه، مراکز بهداشتی و درمانی و کانون‌هایی برای نگهداری و تربیت کودکان بی سرپرست دست زدند.

مهم‌ترین ویژگی بارز انقلاب مشروطه، آن بود که زن و مرد ایرانی پس از سال‌ها استبداد و اختناق همراه یکدیگر وارد صحنه تصمیمات سیاسی شدند. اگرچه زنان، تصمیم‌گیرنده نبودند، اما در تصمیمات سیاسی گردانندگان اصلی، سهم چشمگیری داشتند.

انقلاب اجتماعی به علت پیچیدگی و تعدد عوامل و آثار به‌سادگی قابل توصیف و تفسیر نیست. انقلاب مشروطیت ایران نظیر دیگر انقلاب‌های عمده سیاسی در نتیجه نوعی تغییر حالت و روحیه در افراد مملکت به‌وقوع پیوست. به عبارت دیگر یک عمل دسته‌جمعی بوده که در آن تعداد زیادی از افراد، بالاخص افراد طبقه موثر جامعه سهمی اساسی داشتند. این حرکت و جنبش عمومی ثمره سیر تکوینی طولانی بود که باید ریشه آن را از اواخر دوران صفویه جست‌وجو کرد، زیرا انقلاب مشروطیت ایران منتج از نهضت فکری و تحول اجتماعی ریشه‌داری بود که دارای دو قرن و نیم سابقه است، یعنی از آن هنگام که رونق کار، صنعت و تجارت رو به کاهش نهاد و به‌تدریج قدرت صنعتی، نظامی و سیاسی

ایرانیان در برابر اقتصاد و تمدن توانمند و شکوفای اروپایی به سوی انحطاط گرایید، ایرانیان با اعجاب چشم امید به مغرب زمین دوختند.

نگاهی به تاثیرگذارترین مطبوعات عصر مشروطه مطبوعات ایرانی پیش، در هنگامه و پس از رویدادی که در تاریخ معاصر ایران، انقلاب مشروطه نام گرفته، نقشی بی‌بدیل و تعیین‌کننده را در رویدادهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی ایفا کرده است. ارتقای روحیه ملی‌گرایی، ایران دوستی و بیداری عمومی از جمله ثمرات حیات و فعالیت مطبوعات در سپهر عمومی جامعه ایران در زمانه انقلاب مشروطه بود. در زیر به مهم‌ترین مطبوعات عصر مشروطه و زمینه کاری آن‌ها به اختصار اشاره شده است.

### حضور زنان در حوادث پس از مشروطه

با تلاش مردان و زنان این مرز و بوم، انقلاب مشروطه سرانجام در سال ۱۲۸۵ش/ ۱۹۰۶م به پیروزی رسید. محمدعلی‌شاه تبعید شد و احمدمیرزا به جای او نشست، اما انقلاب نوپای مشروطه، همچنان خود را به حمایت و حضور مردم نیازمند می‌دید. زنان با درک شرایط و موقعیت، به شکل دیگری این بار به معاونت و مساعدت دولت و مجلس آمدند. این تلاش‌ها، حاصل و برآیند قیام عمومی آنان در مساله گریبایدوف و حادثه تنباکو بود و آنان علیرغم آن که از حق رای و انتخاب‌شدن برخوردار نشدند، صحنه دفاع از انقلاب مشروطه را ترک نکردند.

الف) مطالبات سیاسی: در جریان انقلاب مشروطه، زنان هیچ‌گاه خواسته‌های صنفی خود را مطرح نکردند، اما پس از پیروزی انقلاب، آنان خواهان آن شدند که تشکل‌های سیاسی آنان از سوی مجلس به رسمیت شناخته شوند. زنان در اولین اقدامشان برای رفع موانع موجود بر سر راه فعالیت تشکل‌های سیاسی بانوان، از مرتضی‌قلی‌خان، نماینده اصفهان، خواستند این مساله را در مجلس مطرح نماید و زمینه را به گونه‌ای فراهم آورد که مجلس مجوز قانونی فعالیت‌های زنان را به تصویب برساند.<sup>۱</sup> عده‌ای از نمایندگان، طرح مساله را در مجلس غیرضروری دانسته و آن را جزء وظایف وزارت داخله قلمداد کردند. البته آن‌ها معتقد بودند وزارتخانه باید تشکل‌های سیاسی زنان را قدغن نماید. عده‌ای دیگر می‌گفتند: اصل اجتماع سیاسی زنان اشکالی ندارد، ولی چون امکان فاسدشدن برخی توسط این تشکل‌ها وجود دارد، باید از تاسیس و تداوم آن‌ها جلوگیری کرد. اما تعدادی — مثلاً وکیل‌الرعیایا، نماینده همدان — در دفاع از این تشکل‌ها می‌گفتند: «اگر در آن مفسده‌ای راجع به دین و دنیا بروز کرد، آن وقت باید در آن را گل گرفت.» ولی سرانجام، مجلس رأی به غیرقانونی‌بودن این تشکل‌ها

۱. خسروپناه، محمدحسین، (۱۳۸۴)، هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا عصرپهلوی، چاپ دوم، تهران:

داد. البته این تصمیم مجلس چندان بر فعالیت تشکل های سیاسی زنان تاثیر نگذاشت و تاریخ پس از پیروزی انقلاب، شاهد افزایش کمی و کیفی این تشکل ها بود.<sup>۱</sup>

از دیگر مطالبات سیاسی زنان، برخورداری از حق رأی بود، اما با کمال شگفتی، علیرغم نقش موثری که زنان در انقلاب مشروطه ایفا کردند، ماده چهار نظام نامه انتخابات، آنان را در کنار محجورین، صغار، متکدیان و مرتکبین قتل و سرقت قرار داد و آن ها را از حق رأی محروم ساخت. طبق ماده هفت نظام نامه، حق انتخاب شدن نیز از ایشان سلب گردید. در سال ۱۲۸۷ش/ ۱۹۰۸م اصلاح نظام نامه در دستور کار نمایندگان مجلس دوم قرار گرفت اما بار دیگر کمیسیون نظام نامه، زنان را از حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، محروم ساخت.<sup>۲</sup>

ب) مبارزه با اولتیماتوم روسیه: مجلس دوم در ۱۲۸۸ش/ ۱۹۰۹م افتتاح گردید و بی درنگ یکی از کارهای خود را سروسامان دادن امور مالیه کشور اعلام کرد. از این رو، دولت تصمیم گرفت مستشار خارجی استخدام کند. در همین راستا، مورگان شوستر آمریکایی به ایران دعوت شد و به عنوان مسئول امور مالیه کشور و با اختیارات وسیع شروع به کار کرد. به دنبال اولتیماتوم دولت روسیه، فریاد مردم از جمله زنان اصفهان، قزوین، آذربایجان و تهران از هر سو برخاست و حتی زنان هندی در همدردی با زنان ایرانی، صدای اعتراض خود را بلند کردند. در تهران، حدود پنجاه هزار نفر ضمن اعلام اعتصاب، به خیابان ها ریختند. هزاران زن درحالی که می گریستند و برخی از آن ها کفن پوشیده بودند، آمادگی خود را برای جنگ با روسیه و دفاع از کشور اعلام کردند.<sup>۳</sup> بدرالملوک بامداد در این باره نوشته است: «هزاران زن ایرانی در تظاهرات گردآمدند و بعضی از آن ها بر فراز دیوار یا سکویی رفتند و برای مردم سخن گفتند و بر ضرورت دفاع از انقلاب پای فشردند و از مجلس خواستند که در برابر تهدیدهای خارجی بایستد».<sup>۴</sup>

### تاسیس مدارس دخترانه، نخستین اقدام زنان

هدف زنان رفع تبعیض دیرینه تاریخی در عرصه زندگی اجتماعی خویش بود و برای تحقق این مهم می بایست خود را توانا سازند. از منظر زنان عصر مشروطه، آموزش دختران ایرانی ضرورت داشت، زیرا تعمیم سواد و ایجاد مهارت های لازم برای مشارکت اجتماعی و حضور در جامعه و کسب درآمد، به استقلال زن می انجامید، و او را از وابستگی به مرد می رهانید. پس شگفت نیست که می بینیم زنان در مدت کوتاهی انجمن تاسیس کردند و به انتشار نشریه پرداختند و پول گرد آوردند و مهم تر از همه این ها، چهار سال بعد از انقلاب مشروطیت، علی رغم ناسازگاری های جامعه سنتی آن روز و مزاحمت

۱. دلریش، بشری، (۱۳۷۵)، زن در دوره قاجاریه، تهران: سوره، ص: ۳۶.

۲. هاشمی، محمد، (۱۳۶۵)، مذاکرات مجلس شورای ملی در دوره دوم، ج ۳، تهران: امیرکبیر، ص: ۵۳۰.

۳. آفاری، ژانت، (۱۳۸۵)، انقلاب مشروطه ایران، مترجم رضارضایی، چاپ سوم، تهران: بانوس، ص: ۴۸.

۴. بامداد، بدرالملوک، (۱۳۵۲)، مشعل داران و پیشتازان آزادی، ج ۲، تهران: زیتون، ص: ۴۸.

های مخالفان آموزش در ایران، فقط در تهران و در طی یک سال، بیش از ۶۰ مدرسه دخترانه احداث کردند و به آموزش وسیع زنان همت گماردند.<sup>۱</sup>

### زنان و تاسیس نهادهای مدنی

با طلوع انقلاب مشروطیت، تحول عظیمی در آموزش زنان ایرانی پدید آمد. در بیستم ژانویه ۱۹۰۷ در ضمن برگزاری یک گردهمایی بزرگ در تهران، زنان قطعنامه ای را که شامل دو بند بود تصویب کردند. بند اول بر تاسیس مدارس زنانه تاکید داشت و بند دوم خواستار حذف جهیزیه سنگین برای دختران بود و چنین استدلال می کرد که بهتر است پولی که صرف تدارک جهیزیه می شود، در راه آموزش دختران هزینه شود. به برکت این اقدامات در آوریل ۱۹۱۰ پنجاه مدرسه دخترانه در تهران تاسیس گردید و در پی آن، زنان نخستین کنگره آموزشی خود را نیز در پایتخت برگزار کردند. در سال ۱۹۱۳ نشریه شکوفه که متعلق به زن ها بود فهرستی از اسامی ۶۳ مدرسه دخترانه را در تهران منتشر کرد که در حدود ۲۵۰۰ دانش آموز داشتند. در این نشریه اعلام گردیده بود که از هر ۷ تن محصل تهرانی یک تن دختر است. در خور توضیح است که مدارس فوق الذکر با انجمن های زنان ارتباط منظم داشتند. در این زمینه شوستر می نویسد: «شماری از انجمن های نیمه سرتی زنان که به وسیله یک کمیته مرکزی هماهنگ می گردیدند، در تهران وجود داشتند. در این کمیته یک دفتر تحقیق نیز دایر بود که به پرسش های زنان پاسخ می داد». اما به هر حال بسیاری از امور مربوط به انجمن های زنان بر ما معلوم نیست. برخی از اعضای انجمن های زنان برای روزنامه های آن دوره مطلب می نوشتند و به تشریح موضوعات سیاسی و اجتماعی موجود می پرداختند.<sup>۲</sup>

### مجاهدت های زنان دشتستان

انگلیسی ها بارها به مناطق جنوبی ایران حمله کردند. آن ها در زمان محمدشاه، جزیره کیش را تصرف و بوشهر را به محاصره در آوردند، اما سرانجام مجبور به عقب نشینی شدند. در دوره ناصری، بار دیگر قوای انگلیس به بوشهر حمله کردند و البته این بار آن را به اشغال در آوردند. مرحله سوم حمله انگلیسی ها، در جریان اشغال ایران در جنگ جهانی اول (دوره احمدشاه) روی داد که اوج مبارزات تنگستانی ها و دشتستانی های بوشهر در دفاع از کشور ایران بود. این فداکاری هنوز بارقه هایی از امید به مشروطه را زنده می کرد. گرچه انگلیسی ها به کمک عوامل داخلی، سرانجام قیام را سرکوب کردند، اما مردان و زنان جنوبی با کمترین امکانات، بیشترین مقاومت را نشان دادند.

۱. ساناساریان، آلیز. (۱۳۸۴). جنبش حقوق زنان در ایران (طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۱۳۵۷). مترجم نوشین احمدی خراسانی. چاپ اول. تهران: اختران، ص ۱۱۹-۱۲۰.

۲. آفاری، ژانت، (۱۳۷۷)، انجمن های نیمه سرتی زنان در نهضت مشروطه، مترجم دکتر جواد یوسفیان، تهران: بانو. ص: ۱۷۲-۱۷۳.

از جمله این مقاومت ها، حمله تعدادی از زنان دشتستانی به قوای دشمن بود. حدود پنجاه زن دشتستانی که از گستاخی دشمن سخت به ستوه آمده بودند، در کوه گیسکان به استقبال مرگ و شهادت رفتند و تا پای جان، از آب، خاک و حیثیت ملی ایران دفاع کردند. آن ها زمانی که نیروهای دشمن در حال بازگشت پیروزمندانه بودند، اسلحه برجای مانده از شهدای خویش را برداشته و انگلیسی ها را به گلوله بستند. عده‌ای از مردان بوشهری، با استفاده از این موقعیت، خود را از بند دشمن رها کرده و به صفوف زنان جنگجو پیوستند. این جنگ و رزم دلیرانه، چنان صفوف دشمن را به هم ریخت که آنان را واداشت با دادن تلفات زیاد، عقب‌نشینی کنند. زنان گیسکانی کشته‌های دشمن را دفن نکردند تا استخوان های آنان سال ها در محل نبرد باقی بماند و مایه عبرت دیگران شود. جالب آن که زنان دشتستانی علی‌رغم آن که در آن موقع هیچ خانواده‌ای نبود که عزیزی را از دست نداده و در غم آن داغدار نباشد، برای مرگ پدر، شوهر، برادر و فرزندشان نمی‌گریستند تا دشمن از غم و ناله و ناتوانی آنان خرسند نشود.<sup>۱</sup>

شجاعت زنان دشتستانی در جنگ با انگلیسی‌ها و صبرشان در مصیبت از دست دادن خویشان و نزدیکان، موجی از غیرت را در مردان آن دیار پدید آورد؛ چنان که مردان دلاور بوشهری، با شیخون‌هایشان هرگز نگذاشتند دشمن در خطه جنوب احساس امنیت کند.<sup>۲</sup>

### روزنامه‌هایی که زنان تاسیس کردند

اولین روزنامه های زنان همزمان با راه اندازی نخستین انجمن ها و مدارس زنان و در دوره ای که فعالان زن برای کمرنگ کردن تبعیض های موجود تلاش می کردند منتشر شد. با این وجود اما، بیشتر مطالب اولین نشریات زنان به موضوعاتی همچون خانه داری و شوهرداری اختصاص داشت و آگاه سازی و تربیت زن به عنوان مادر و همسر خط مشی اصلی این نشریات معرفی می شد. اما با گذشت زمان و ورود فعالان حقوق زنان به عرصه مطبوعات پرداختن به مباحثی همچون حقوق اجتماعی، حق رای و حتی مشارکت و اظهار نظر در مسایل سیاسی داخلی و بین المللی در نشریات زنان آغاز شد و با وجود موانعی همچون توقیف، فشارهای سیاسی و اجتماعی و مشکلات مالی برای اداره نشریه، مجلات زنانه یکی پس از دیگری منتشر شده و وضعیت و مطالبات زنان آن دوران را منعکس می کردند.<sup>۳</sup>

خانم کحال، اولین روزنامه نگار زن ایرانی بود که نشریه «دانش» را به سال ۱۹۱۰ منتشر کرد. این نشریه که به طور غیر نامنظم منتشر می شد، انحصار به زنان داشت. سه سال بعد در ۱۹۱۳ میلادی، مریم عمید (مزین السلطنه)، دومین روزنامه مخصوص بانوان را به نام «شکوفه» در تهران منتشر کرد.

<sup>۱</sup> فراشبندی، علی مراد، (۱۳۶۲)، گوشه ای از انقلاب مسلحانه، تهران: رسا، ص: ۱۷۳.

<sup>۲</sup> - رکن زاده، محمدحسین، (۱۳۵۷)، ادمیت، فارس و جنگ بین الملل، ج ۲، تهران: اقبال، ص: ۴۵۹.

<sup>۳</sup> - ساناساریان، آلیز، (۱۳۸۴). جنبش حقوق زنان در ایران (طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۱۳۵۷). مترجم نوشین احمدی خراسانی. چاپ اول. تهران: اختران، ص ۷۷.



او دو مدرسه دخترانه نیز در تهران تاسیس کرد. همچنین اولین انجمن زنان ایران را بوجود آورد. روزنامه شکوفه که «توسط بانوان و برای بانوان» چاپ می شد به مدت شش سال به انتشار خود در تهران ادامه داد و با مرگ خانم مزین السلطنه تعطیل شد.<sup>۱</sup>

هدف نشریه شکوفه، آشنا ساختن زنان با کارهای ادبی، آموزش بچه داری و خانه داری، تشویق به سوادآموزی و تحصیل، مبارزه با خرافات و موهوم پرستی در میان زنان و ارتقای معیارهای اخلاقی آنان بود. در سال های بعد این نشریه لحن تندتر و صریح تری به خود گرفت و ازدواج دختران در سنین پایین را مورد حمله قرارداد و به تدریج لحن سیاسی اش را تشدید کرد و تسلط بیگانگان را به نقد کشید و مشوق استقلال ملی شد.<sup>۲</sup>

زنان «عالم نسوان» نشریه دیگر بود که در سال ۱۳۰۰ در تهران به چاپ می رسید. این نشریه ارگان فارغ التحصیلان عالی مدرسه دخترانه آمریکایی بود و زیر نظر یکی از زنان تحصیل کرده در این مدرسه منتشر می شد. موضوعات مورد بحث در «عالم نسوان»، اخبار بهداشتی و درمانی، روش های خانه داری، اطلاعات در مورد مدهای لباس در کشورهای غربی، فعالیت های سوادآموزی و اخبار جنبش های فمینیستی در سطح بین المللی بود. همچنین در این نشریه مقالات و سرمقاله هایی در مورد محکومیت ازدواج های زودهنگام دختران، فقدان حقوق سیاسی برای زنان و نقد حجاب به چاپ می رسید. مقالاتی که شرایط نابسامان زنان را مورد نقد قرار می دادند به طور چشمگیری در آخرین سال های انتشار این نشریه افزایش یافت و زبان آن منتقدانه تر و خشم گینانه تر شد. انتشار «عالم نسوان» در پی اعلام کشف حجاب متوقف شد. چه بسا صراحت این نشریه طی دوره رضا شاه به تعطیلی آن منجر شد.<sup>۳</sup>

بی بی مریم در سال ۱۲۹۰ ه ق متولد می شود، پدرش حسینقلی خان ایلخان بختیاری و مادرش بی بی فاطمه ( فرزندعلی رضا خان از طایفه کیانرثی چهارلنگ) خواهر علی قلی خان (سردار اسعد فاتح تهران) و همچنین مادر علی مردان خان چهارلنگ (قهرمان مبارز با رژیم پهلوی) وی بعد از این که چهل روز از تولدش نگذشته بود پدرش او را به نامزدی علی قلی خان پسر محمدعلی خان از طایفه محمود صالح چهارلنگ در آورد. بی مریم وقتی ۹ سال داشت پدرش به دستور ظل سلطان حاکم اصفهان در سال ۱۲۹۹ به قتل رسید، و بعد از ۷ سال وقتی برادر بزرگ بی مریم یعنی اسفندیار خان از زندان آزاد شد دوباره خانواده ایلخانی رونق گرفت، بی مریم برخلاف خواسته خود در ۱۵ سالگی با شوهر ۴۰ سالش که چندین زن و بچه داشت ازدواج کرد، که بعد از ۴ سال زندگی علی قلی خان بر اثر خوردن سم از طرف برادر خود کشته می شود. حاصل زندگی آن ها ۳ پسر بود که یکی از آن ها

۱. سانساریان، همان، ص: ۷۸.

۲. سانساریان، همان، ص: ۷۹.

۳. سانساریان، همان، ص: ۸۴-۸۳.

در بچگی می میرد و دو پسر دیگر آن به نام های علی مردان و محمد علی خان که بعدها علیه رژیم پهلوی قیام می کنند. بی مریم پس از مرگ شوهرش به پیش برادرانش باز می گردد، و با مادر خود بی بی فاطمه زندگی می کند. و حاضر به ازدواج مجدد با چهارلنگ ها نشد، بعد از مدتی به اصرار برادران خود مجبور به ازدواج مجدد با عموزاده خود فتح الله خان که چندین زن داشت در می آید. که این ازدواج بعد از این که بی بی مریم ۳۰ سال داشت به علت بی کفالتی شوهرش از او جدا می شود، که از این شوهر تنها یک پسر به نام مصطفی قلی خان داشت (که بعدها داماد سردار ظفر برادر بی مریم می شود) بی مریم بعد از جدا شدن از فتح ... خان بر سر املاک آن ماند و به تربیت فرزندان خود پرداخت، بی مریم به همراه حاج ابراهیم خان ضرغام السلطنه و پسرش ابولقاسم و بعضی دیگر در جنگ جهانی اول طرف آلمان ها را گرفتند و با انگلیس و روسیه مبارزه کردند. بی مریم در جریان حمله سربازان روس به کاردرف شارژداخه آلمانی به همراه چند آلمانی دیگر به مدت بیش از یک ماه پناه داد و از آنها دفاع کرد، که به علت حمایت بی مریم از آلمان ها ظل سلطان و عوامل روس و انگلیس تمام اموال او را در اصفهان غارت کردند که سرانجام بی مریم توانست آلمان ها را از خاک ایران نجات بدهد. که بعد ها امپراطور آلمان به پاس قدر دانی از کمک بی مریم تمثالی میناکاری و الماس نشان خود را برای وی فرستاد و به سردارمریم مشهور شد.<sup>۱</sup>

طرحی که به «چهره طاهره قُرَّة الْعین» معروف شده است (مورد تردید) نام اصلی فاطمه امسلمه زمینه کاری شاعر و شهید آئین بایی زادروز ۱۲۳۰ تا ۱۲۳۳ (قمری) قزوین پدر و مادر محمدصالح برغانی قزوینی، آمنه خانم قزوینی مرگ ۱۲۶۸ (قمری) (۳۵ سال) باغ ایلخانی، تهران ملیت ایرانی محل زندگی قزوین، تهران، کربلا، نور. نام های دیگر وی زکیه، امسلمه لقب طاهره، زکیه، زرین تاج پیشه شاعر، نویسنده سبک نوشتاری شعر عرفانی تخلص طاهره همسر ملا محمد برغانی مدرک تحصیلی اجتهاد شاگرد سید کاظم رشتی اثرپذیرفته از مولوی، سید علی محمد باب فاطمه زرین تاج برغانی قزوینی ملقب به زکیه یا ام سلمه و مشهور به طاهره و قُرَّة الْعین از اولین مریدان سید علی محمد بابو از رهبران جنبش باب بوده است.

پدر و مادرش هر دو مسلمان و مجتهد بودند. وی همانند یکی از عموهایش ابتدا به شیخیه گرایش پیدا کرد و برای مدتی رهبری بخشی از شیخیه در کربلا و عراق را به دست گرفت. با علنی شدن دعوت سید علی محمد باب، طاهره به وی گروید و بدون آنکه موفق شود تا پایان عمر او را از نزدیک ببیند، در زمره نزدیک ترین یاران او درآمد. او نخستین زن بایی بود که روبنده از صورت برگرفت و اعلام نمود که با آمدن آیین بیانی، احکام اسلام ملغی شده است.

<sup>۱</sup>. بختیاری، سردار اسعد، (۱۳۸۳)، تاریخ بختیاری، به اهتمام جمشیدکیان فر، تهران: اساطیر، ص: ۴۹.

او به اتهام دست داشتن در قتل عمومی بزرگش محمدتقی برغانی معروف به «شهید ثالث» بازداشت شد و سه سال بعد، مدتی پس از ترور نافرجام ناصرالدین شاه و همزمان با بسیاری از بایان دیگر، در تهران به جرم فساد فی الارض اعدام شد. او اولین زنی بود که به این اتهام اعدام شد. از طاهره اشعاری باقی مانده است که بر سر انتساب پاره‌ای از این اشعار به وی اختلاف نظر وجود دارد. از سویی طاهره تفسیری انقلابی از بابتی‌گری ارایه کرد که موجب جدایی در جامعه بابتی‌ها در ایران و عراق گردید، ولی از سوی دیگر همین تفسیر باعث پیوند موعودگرایی با مفهوم باب شد.<sup>۱</sup>

صدیقه دولت‌آبادی (۱۲۶۱-۱۳۴۰) روزنامه‌نگار ایرانی و از فعالان انقلاب مشروطه و جنبش زنان در ایران است. او از مؤسسان انجمن مشروطه‌خواهان انجمن مخدرات وطن بود.<sup>۲</sup> همچنین، بعداً از نخستین فعالان حقوق زنان در ایران شد و نشریه زبان زنان را درباره حقوق زنان منتشر کرد.<sup>۳</sup>

دولت‌آبادی در سال ۱۲۶۱ هجری شمسی در اصفهان به دنیا آمد. پدرش حاج میرزا هادی دولت‌آبادی و مادرش خاتمه بیگم نام داشت. پدرش از روحانیان متجدد آن زمان محسوب می‌شد. صدیقه دولت‌آبادی تحصیلات خود را در فارسی و عربی در تهران آغاز نمود، سپس تحصیلات متوسطه را در دارالفنون ادامه داد. پانزده ساله بود که با دکتر اعتضاد الحکما ازدواج کرد، ولی ازدواجشان با شکست مواجه شد. در سال ۱۲۹۶ شمسی به همت او یکی از نخستین دبستان‌های دخترانه، به نام «مکتب شرعیات» تأسیس شد. پدرش حاج سید میرزا هادی دولت‌آبادی از مجتهدین مؤثر محلی و مشهور به رهبری شاخه ازلی‌بابیه بود.<sup>۴</sup> او نماینده صبح‌الذکر ایران بود. وقایع منتهی به انقلاب مشروطه فصل جدیدی در زندگی یحیی دولت‌آبادی و برادر کوچکترش علی محمد گشود. آنان در میان اولین اعضای حلقه‌ای کوچک ولی اثرگذار از معتقدین ازلی بودند که جمال‌الدین واعظ اصفهانی و ملک‌المتکلمین را نیز شامل می‌شد. افکار شیخ محمد منشادی یزدی که گفته می‌شد از شاخه ازلی است در او و جمال‌الدین واعظ اصفهانی و ملک‌المتکلمین تأثیر داشته است. صدیقه دولت‌آبادی در روز ۶ مرداد سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در سن ۸۰ سالگی در تهران درگذشت. وی در جوار برادرش در قبرستان امامزاده اسماعیل در زرگنده به خاک سپرده شد. عده‌ای مقبره وی را پس از انقلاب ۱۳۵۷ ویران کردند.<sup>۵</sup>

۱. محمدحسینی، نصرت‌الله، (۱۳۹۰)، شرح حیات و آثار منظوم و منثور قره‌العین، موسسه معارف بهایی، ۱۹۹۸، ۲۵۷-۲۸۷.

بازبینی شده در ۱ دی ص: ۴۹.

۲. ساناساریان، آلیز. (۱۳۸۴). جنبش حقوق زنان در ایران (طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۱۳۵۷). مترجم نوشین

احمدی خراسانی. چاپ اول. تهران: اختران، ص ۶۲-۶۳.

۳. ساناساریان، همان، ص: ۴۳.

۴. ساناساریان، همان، ص: ۴۴.

۵. ساناساریان، همان، ص: ۴۵.

بی‌بی‌خانم استرآبادی زادروز ۱۲۷۴ (قمری) نوکنده از روستاهای بندرگز از توابع استرآباد، درگذشت ۱۳۰۰ تهران. بی‌بی‌خانم استرآبادی یا بی‌بی‌فاطمه استرآبادی از نویسندگان دوران مشروطه است. او در روزنامه‌های حبل‌المتین، تمدن و نشریه مجلس مقاله می‌نوشت. بیشتر مقالات او در دفاع از آموزش دختران است. او اولین دبستان دختران را بنیان گذاشت. بیشتر شهرت بی‌بی‌خانم استرآبادی به خاطر کتاب معایب الرجال است که به طنز و در پاسخ به تادیب‌النسوان نوشته‌است. او را نخستین زن طنزنویس ایران می‌دانند.<sup>۱</sup>

بی‌بی‌خانم استرآبادی حاصل ازدواج خدیجه ملاباجی ناصرالدین شاه از زنان باسواد آن دوران و محمدباقرخان سرکرده یایل انزان مازندران است. محمدباقرخان در یکی از سفرهای ناصرالدین شاه به مازندران با دلاوری شیری را از پا درآورد و لقب شیرکش گرفت و در رکاب شاه به پایتخت آمد و به سمت ایشیک آقاسی باشی منسوب شد. خدیجه خانم که یکی از ندیمه‌های ناصرالدین شاه (شکوه السلطنه) بود، کار تدریس و آموزش کودکان درباری را نیز انجام می‌داد. محمدباقر با ملاباجی آشنا شد و از شاه اجازه ازدواج با او را گرفت و با هم ازدواج کردند و به روستای نوکنده از روستاهای بندرگز از توابع استرآباد رفتند.

بی‌بی و برادرش حسین‌علی در نوکنده به دنیا آمدند، اما مادرشان خدیجه علاقه‌ای به تداوم ازدواجش نداشت زیرا باقرخان شیرکش پنج زن دیگر هم داشت. خدیجه پس از مدتی موفق می‌شود خانه همسر را با دو فرزندش به بهانه زیارت کربلا ترک کند اما از کربلا به تهران می‌آید و مجدداً به دربار می‌رود و به شغل ملاباجی دربار مشغول می‌شود. دو سال بعد محمدباقرخان در اختلافات قومی کشته می‌شود و خدیجه دیگر هرگز به مازندران بازمی‌گردد. بی‌بی در دربار درس می‌خواند و بزرگ می‌شود تا آن که با افسر جوانی از اهالی قفقاز که به تهران مهاجرت کرده بود، به نام موسی‌خان وزیراف آشنا شد. این دو به هم علاقه‌مند شدند و چون خدیجه باجی با وصلت‌شان مخالف بود بی‌بی از خانه می‌گریزد و در ۲۲ سالگی با موسی‌خان وزیراف ازدواج کرد. علی‌نقی وزیر موسیقیدان معروف ایرانی و حسن وزیر از نقاشان برجسته، نتیجه همین پیوند است.<sup>۲</sup> می‌گویند بی‌بی خانم استرآبادی زود ازدواج کرد و با همه عشق و علاقه‌ای که به همسرش داشت، زندگی مشترکشان کوتاه بود و همسرش که تحمل و ظرفیت زنی اهل فکر و علم و دانش را نداشت با دختر خدمتکاری ازدواج کرد.<sup>۳</sup>

۱. صلاحی، عمران، (۱۳۸۵)، زنان طنز و نخستین زن طنزنویس ایرانی، به نقل وب گاه رسمی نشریه گل آقا،

جمعه ۱۶ تیر، بازبینی شده در ۲ ژوئن ۲۰۰۸، ص: ۶۸.

۲. ملاح، مهرانگیز، (۱۳۵۸)، زنان پیشگام ایرانی: افضل وزیری دختر بی بی خانم استرآبادی، به کوشش زیبا جلالی نائینی و افسانه نجم آبادی، تهران: شیرازه، ص: ۹.

۳. فرخ زاد، پوران، (۱۳۸۱)، کارنمای زنان کارای ایران از (دیروز تا امروز)، تهران: قطره، ص: ۸.

نخستین مدرسه دخترانه، مدرسه دوشیزگان نخستین مدرسه‌ای است که در سال ۱۳۲۴ (معادل ۱۲۸۵ شمسی هم‌زمان با انقلاب مشروطه) توسط بی‌بی‌خانم استرآبادی برای آموزش دختران تأسیس شد. افتتاح این مدرسه با موجی از مخالفت‌ها و ناراضی‌ها از جانب مردان روبه‌رو شد به طوری که بخشی از مخالفان مدرسه دخترانه عزمشان را برای ویرانی و انهدام مدرسه جزم کردند. بی‌بی‌خانم در اثر تهدید و فشارهای مخالفان نزد وزارت معارف شکایت کرد اما به وی گفتند مصلحت در این است که مدرسه تعطیل شود و دیگر مقاومت فایده‌ای نداشت و به این ترتیب مدرسه بسته شد. در خاطرات دختر بی‌بی‌خانم آمده است که یکی از روحانیان بر سر منبر گفته بود: «بر این مملکت باید گریست که در آن دبستان دوشیزگان باز باشد.» مدتی بعد (پس از به توپ بستن مجلس شورای ملی) بی‌بی‌خانم شکایتش را نزد صنیع‌الدوله وزیر معارف برد و سرانجام موفق شد مدرسه را باز کند به شرط این‌که مدرسه فقط به دختران ۴ تا ۶ سال اختصاص یابد و نام دوشیزگان هم از تابلو مدرسه حذف شود.<sup>۱</sup>

در سال ۱۳۰۹ (قمری) کتابی به قلم شخص ناشناسی به نام تادیب زنان نوشته و منتشر شد. هر فصل این رساله به نحوه اصلاح رفتار و کردار ناپسندی می‌پردازد که نویسنده منتسب به زنان می‌داند: فصل اول درباره ی «سلوک زن»، فصل دوم «حفظ زبان»، فصل سوم «گله‌گذاری»، فصل چهارم «قه‌ر کردن»، فصل پنجم «طرز راه رفتن»، فصل ششم «آداب غذا خوردن»، فصل هفتم «پاکیزه نگه داشتن بدن و استعمال بعضی از عطریات»، فصل هشتم «طرز لباس پوشیدن»، فصل نهم «آداب خوابیدن» و فصل دهم درباره ی «آداب صبح برخاستن از خواب» است. چند سال بعد بی‌بی‌خانم استرآبادی در سال ۱۳۱۳ (قمری) اندکی قبل از ترور ناصرالدین شاه کتابی به نام معایب الرجال نوشت که ردیه‌ای بر آن بود. بی‌بی‌خانم در این کتاب ضمن برشمردن معایب مردان سعی کرده‌است راه و رسم درست زناشویی را توضیح دهد. او در این رساله علاوه بر آن که پاسخی جداگانه به هر ده فصل کتاب تادیب‌النساء می‌دهد چهار فصل را نیز به معایبی که در مردان می‌بیند نسبت می‌دهد. این چهار فصل عبارت اند از: «اطوار شراب‌خوار»، «کردار اهل قمار»، «در تفصیل چرس و بنگ و واپور و اسرار» و «شرح گفتگو در اوضاع عبائره و اقرات اجامره و الواط». او در این کتاب مردان را دعوت می‌کند که «دست از تادیب کردن نسوان بردارند و در پی تادیب و تربیت خود برآیند».<sup>۲</sup>

محترم اسکندری، (۱۲۷۴-۱۳۰۳ یا ۱۳۰۴) از پیشگامان جنبش زنان در ایران بود. او سازمان دهنده اصلی جمعیت نسوان وطنخواه، نخستین رئیس آن، و همچنین ناشر نشریه نسوان وطنخواه بود.

۱. جواد، حسن، (۱۳۷۱)، روبرویی زن و مرد در عصر قاجار دو رساله تادیب النسوان و معایب الرجال، تهران: جهان کتاب، ص: ۴۲-۴۳.

۲. بهفر، مه‌ری (۱۳۷۷) معایب الرجال نخستین رساله در دفاع از حقوق زنان، تهران: تیر و مرداد، بازبینی شده در ۲۱ مهر ۱۳۹۲، ص: ۵۲-۵۶.

اسکندری سخنرانی‌هایی در حمایت از حقوق زنان از جمله تحصیل زنان و رفع حجاب می‌کرد و به برنامه‌ریزی راهپیمایی‌های اعضای جمعیت می‌پرداخت.

محترم در خانواده‌ای اشرافی در تهران به دنیا آمد. پدرش محمد علی میرزا اسکندری (شاهزاده علی خان) از مشروطه‌خواهان و از مؤسسان انجمن آدمیت بود. او ابتدا در خانه نزد پدرش درس آموخت و سپس برای ادامه دروس زبان فرانسه و ادبیات به مکتب میرزا علی محمد خان محقق‌مدرس معروف رفت. آن‌ها پس از مدتی با هم ازدواج کردند. محترم اسکندری که دچار آسیبی در ستون فقرات بود، مدتی به تدریس مشغول شد و مدتی نظامت مدرسه دخترانه‌ای را برعهده داشت. او که از دستاوردهای انقلاب مشروطه برای زنان مأیوس شده بود. در سال ۱۳۰۱ به همراهی تعدادی از زنان پیشرو در تهران جمعیت نسوان وطنخواه را تأسیس کرد. او به سخنرانی، اداره نشریه انجمن و برنامه‌ریزی راهپیمایی‌های اعضای جمعیت می‌پرداخت. آن‌ها در یکی از راهپیمایی‌ها اقدام به سوزاندن جزوه‌هایی علیه زنان کردند که منجر به دستگیری او توسط مأموران حکومت شد اما نام او را نیز بر سر زبان‌ها انداخت. او به تأسیس مدرسه برای زنان بزرگسال و تبلیغ برای مصرف کالاهای ملی نیز می‌پرداخت. محترم اسکندری در تیر ۱۳۰۳ یا ۱۳۰۴ در ۲۹ سالگی در تهران درگذشت.<sup>۱</sup>

تاج‌السلطنه، افتخارالسلطنه، صدیقه دولت‌آبادی، نیمتاج خانم، میس جوردن و میس بویس، از افرادی هستند که نامشان به عنوان اعضای انجمن زنان در تواریخ مشروطه آمده و ذیلاً به عنوان نمونه‌ای از فعالان آن انجمن، به معرفی آنان می‌پردازیم:

تاج‌السلطنه وی، دختر فتانه ناصرالدین‌شاه و مبلغ کشف حجاب بانوان و اختلاط جوانان دختر و پسر با یکدیگر (پیش از ازدواج) بود و بسیاری از مشکلات ملت ایران را ناشی از حجاب بانوان می‌شمرد! به گفته آفاری: «خاطراتش نشان‌دهنده گرایش‌های قوی سوسیالیستی و نیز فمینیستی است». او مبلغ کشف حجاب بانوان و اختلاط جوانان دختر و پسر پیش از ازدواج بود و در خاطرات منسوب به وی می‌خوانیم: «خرابی مملکت و بداخلاقی و بی‌عصمتی و عدم پیشرفت تمام کارها، حجاب زن است!» فریدون آدمیت و هما ناطق، بر پایه خاطرات منسوب به تاج‌السلطنه می‌نویسند: «توران تاج‌السلطنه دختر ناصرالدین‌شاه در ۱۳۰۱ متولد شده، در حرمخانه شاهی تربیت یافته، معلم سرخانه داشته، زبان فرانسوی آموخته، تاریخ و رمان فرنگی خوانده، لباس فرنگی پوشیده و زنی آزاداندیش بار آمده بود. هرچه روزبه‌روز در تحصیل پیش می‌رفت از تلقین‌های گذشته و مأنوسات ذهنی دست می‌شست. حتی ترک نماز و طاعت کرد و به کلی طبیعی مشرب شد. پس از آن به خیال سفر فرنگ افتاد. به گفته خود: «دیوانه‌وار میل رفتن اروپا را داشتیم. همین میل در من قوت گرفت و باعث متارکه من با شوهرم شد». عشق خود را به دیگری هم پوشیده نمی‌دارد: «چشم‌های پر از محبت و عشق او که

۱. بامداد، بدرالملوک (۱۳۵۱) زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا انقلاب سفید، ج ۲، تهران: زیتون، ص: ۴۷.

مانند شعله آتشی به من اثر می‌کرد... هیچ‌وقت از نگاه کردن به این جوان، خائف و هراسان نبودم... یک ساعقه و طوفان عظیمی در وجود من ظهور کرده بود»<sup>۱</sup>.

افتخار السلطنه وی نیز از دختران ناصرالدین‌شاه بود که تقیدی به احکام شرع نداشت و روزگار را به لهو و لعب می‌گذراند. به همین علت هم مورد سوءظن آشنایان قرار داشت و حتی یک بار اقدام به خودکشی کرد که البته نجاتش دادند. افتخار از همسر اولش طلاق گرفت و با نظام‌السلطان خواجه‌نوری ازدواج کرد که به نوشته سعید نفیسی از معروف‌ترین جوانان خراج و عیاش و خوشگذران آن دوره بود که بیشتر شب‌ها در باغ جمال‌آباد متعلق به وزیر همایون مجلس عیش و عشرت داشت و پدر نفیسی برای این که وی سرمشق بدی نگیرد اجازه نمی‌داد به این مجالس نزدیک شود، ولی سعید نفیسی یک شب، پنهانی شاهد یکی از این مجالس عیش بود که معروف‌ترین دسته مطرب زنانه تهران در آن تا نزدیک صبح می‌کوبیدند و می‌رقصیدند و مشروب و خوراک گرم و سرد... سیل بود! نظام‌السلطان، خود زن و ۵ فرزند داشت اما همه را رها کرد تا به وصال افتخار السلطنه برسد. او در عصر پهلوی نیز از طریق افتخار با دربار مرتبط بود و به سفارت انگلیس نیز مدد می‌رساند.

افتخار السلطنه، دخترش (ایران السلطنه) را به عقد نوه عبدالحسین‌خان کُفری درآورد که شهرتش به «کفری»، ناشی از تصنیف کتابی بود که «به نظم و نثر» در «هجو و جسارت» به ساحت «انبیاء سلف و خاتم انبیاء و ائمه اطهار» علیه‌السلام نوشته بود و به همین علت «علمای تهران او را تکفیر کرده و فتوای وجوب قتل او را نوشته بودند». زمانی هم که عبدالحسین‌خان در نزدیکی قُم مرد، علمای آنجا مانع دفن پیکر او (در قم و اطراف آن) شدند و حتی آخوندی را که (ندانسته) بر پیکر وی نماز خوانده بود سخت ملامت کردند.<sup>۲</sup>

نیمتاج خانم در نامه سید احمد طباطبایی، به عنوان یکی از رؤسای انجمن زنان، از «خواهر گل و بلبل» یاد شده که ملکه ایران را (بدون اذن شوهر) به اروپا برده است. مقصود از خواهر گل و بلبل، نیمتاج خانم (زن ناظم دربار) است که خواهر میرزا نصرالله‌خان و میرزا فرج‌الله‌خان بود که به ترتیب: «گل» و «بلبل» نامیده می‌شدند. نصرالله‌خان، منشی سفارت اتریش در عهد ناصری و نیز چاپ‌کننده مخفیانه روزنامه قانون در تهران است که توسط پرنس ملک‌خان ارمنی (بنیادگذار فراموشخانه فراماسونری در ایران) در لندن چاپ و به ایران ارسال می‌شد. فرج‌الله‌خان نیز پیش از مشروطیت مدتی حاکم آباده (از مناطق بای / بهائی‌نشین فارس) بود و با فرقه ضاله در آن شهر مغالزه می‌کرد.

نیمتاج خانم به قره‌العین ثانی شهرت داشت که نشانگر بی‌قیدی او نسبت به احکام شرعی مربوط به زنان، و بدتر از آن، بستگیش به بابیت است. چه، می‌دانیم که قره‌العین (زرین‌تاج قزوینی)، از پیشگامان بابیت در زمان ناصرالدین‌شاه بود که عملیات کشف حجاب و رفتن وی با چهره کاملاً بزک شده و

۱. سعدونیان، سیروس، (۱۳۷۸)، خاطرات تاج السلطنه، چاپ چهارم، تهران: تاریخ ایران، ص: ۹۵-۹۷.

۲. فرخ زاد، پوران، (۱۳۸۱)، کارنامه‌ی زنان کارای ایران از (دیروز تا امروز)، تهران: قطره، ص: ۸۷-۸۹.

عریان به میان مردان بابی و همخوابی‌اش با سران بابیه (که در تاریخ از آن، با عنوان رسوایی بدشت یاد می‌شود) ثبت تاریخ است و حتی مورخین بابی و بهایی نیز بدان اشاره دارند. احمد کسروی می‌نویسد: «... داستان قره العین شگفت‌آور است. ولی دلیلی از آن به سود کیش‌های بابی و بهایی نتوان درآورد. در کوشش‌ها نیز زیان قره العین کمتر از سودش نبوده. در جست‌وجوی او از خانه شوهر و همراهی‌اش با مردان و آن داستان بدشت که خود بهاییان پوشیده نداشته‌اند، دستاویز دشمنان بیشتر گردیده تا دستاویز دوستان. این است در کتاب‌ها دیده می‌شود که خواهر عبدالبهاء که بهائیان او را همپای فاطمه زهرا شیعیان می‌شمارند در نامه خود به بهائیان تهران چنین نوشته: «قره العین یک دفعه بی‌حکمتی کرد و هنوز از کله مردم نمی‌توانیم به درآوریم».<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری

در زمانی که مردان مشروطه خواه سرگرم مبارزه با مستبدان بودند زنان نیز دوشادوش با آن‌ها حرکت کردند به امید آن که با سرنگونی نظام خودکامه زنان نیز وضعیت بهتری پیدا کنند. زنان به اهمیت آموزش پی برده بودند و در اولین قدم به فکر تاسیس مدارس دخترانه افتادند. صدیقه دولت آبادی، بی بی خانم استرآبادی و توبا آزموده دریافته بودند بهبود وضعیت زنان با شعار به دست نمی‌آید بلکه باید دست به کار شد و جهل را ریشه کن کرد. به هر روی، زنان در سال‌های پیش از مشروطه، حضوری چشم‌گیر و موثر داشته‌اند که برجسته‌ترین آن، نقش آنان در حادثه گریبایدوف، به ویژه فداکاری‌شان در پیروزی جنبش تنباکو است.

نگاه تاریخی به زنان البته با نگاه سیاسی و اجتماعی به آنان متفاوت است اما چنان که می‌دانیم در هر حال هیچ جای تاریخ از مقوله سیاست خالی نیست. مهم آن است که وقتی از نقش سیاسی — اجتماعی زنان سخن می‌گوییم، تنها متوجه زنان مشهور و سرشناس یا زنان بانفوذ درباری نباشیم، بلکه حرکت اجتماعی زنان را در گستره اجتماعی آن در نظر آوریم. زنان ایران در منزلگاه‌های مهم تاریخی به صحنه آمدند و حضور موثری نشان دادند اما متأسفانه این سابقه هنوز در لابه‌لای تواریخ پنهان است و شاید هم برای همیشه پنهان بماند. با این همه نمونه‌های بارزی را می‌توان از تاریخ معاصر استخراج نمود و نمایان ساخت. در مقاله حاضر به چگونگی حضور سیاسی — اجتماعی زنان ایران در سه دوره مهم مشروطیت و قبل و بعد آن پرداخته شده است. بنابراین مشروطه، تنها محصول کار مردان نیست، بلکه زنان به صورت مختلف در آن شرکت کردند.

ورود زنان در دوره مشروطه به صحنه فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مخالفت‌های زیادی را بر ضد جنبش زنان به دنبال داشت. اما جامعه زنان مبارز تلاش می‌کرد با پاسخ به ایرادها و ضرورت حرکت زنان و لزوم حمایت از آن، مخالفان را قانع و وادار به عقب‌نشینی نماید. بیشترین انتقادها و

<sup>۱</sup>. قویمی، فخری (۱۳۵۲) کارنامه زنان مشهور ایران در علم، ادب، سیاست، مذهب، هنر، تعلیم و تربیت از قبل از اسلام تا عصر حاضر، تهران، وزارت آموزش و پرورش، ص: ۹۶-۹۸.



مخالفت ها متوجه مدارس جدید دخترانه و اصلاح تعلیم و تربیت زنان مطابق با مقتضیات زمان بود. مخالفان، جنبش زنان را به داشتن گرایش های بابی متهم می کردند. از نظر زنان مبارز، مخالفان تحصیل زنان هیچ بهانه معقولی برای حملات و مخالفت های خود نداشتند.



### منابع و مآخذ

- آفاری، ژانت، (۱۳۷۷)، انجمن های نیمه سری زنان در نهضت مشروطه، مترجم دکتر جواد یوسفیان، تهران: بانو.
- آفاری، ژانت، (۱۳۸۵)، انقلاب مشروطه ایران، مترجم رضا رضایی، چاپ سوم، تهران: بانو.
- بامداد، بدرالملوک، (۱۳۵۱)، زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا انقلاب سفید، ج ۲، تهران: زیتون.
- بامداد، بدرالملوک، (۱۳۵۲)، مشعل داران و پیشتازان آزادی، ج ۲، تهران: زیتون.
- بختیاری، سردار اسعد، (۱۳۸۳)، تاریخ بختیاری، به اهتمام جمشیدکیان فر، تهران: اساطیر.
- بهفر، مهری (۱۳۷۷)، معایب الرجال نخستین رساله در دفاع از حقوق زنان، تهران: تیر و مرداد، بازبینی شده در ۲۱ مهر ۱۳۹۲.
- جوادی، حسن، (۱۳۷۱)، رویارویی زن و مرد در عصر قاجار دو رساله تادیب النسوان و معایب الرجال، تهران: جهان کتاب.
- خسروپناه، محمدحسین، (۱۳۸۴)، هدف ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا عصرپهلوی، چاپ دوم، تهران: پیام امروز.
- دلریش، بشری، (۱۳۷۵)، زن در دوره قاجاریه، تهران: سوره.
- رکن زاده، محمدحسین، (۱۳۵۷)، ادمیت، فارس و جنگ بین الملل، ج ۲، تهران: اقبال.
- ساناساریان، آلیز، (۱۳۸۴)، جنبش حقوق زنان در ایران (طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۱۳۵۷)، مترجم نوشین احمدی خراسانی، چاپ اول، تهران: اختران.
- سعدونیان، سیروس، (۱۳۷۸)، خاطرات تاج السلطنه، چاپ چهارم، تهران: تاریخ ایران.
- صلاحی، عمران، (۱۳۵۸)، زنان طنز و نخستین زن طنزنویس ایرانی، به نقل وب گاه رسمی نشریه گل آقا، جمعه ۱۶ تیر، بازبینی شده در ۲ ژوئن ۲۰۰۸.
- فراشبندی، علی مراد، (۱۳۶۲)، گوشه ای از انقلاب مسلحانه، تهران: رسا.
- فرخ زاد، پوران، (۱۳۸۱)، کارنامه زنان کارای ایران از (دیروز تا امروز)، تهران: قطره.
- قویمی، فخری، (۱۳۵۲)، کارنامه زنان مشهور ایران در علم، ادب، سیاست، مذهب، هنر، تعلیم و تربیت از قبل از اسلام تا عصر حاضر، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- محمدحسینی، نصرت الله، (۱۳۹۰)، شرح حیات و آثار منظوم و منثور قره العین، موسسه معارف بهایی، ۲۵۷-۱۹۹۸-۲۸۷، بازبینی شده در ۱ دی.
- ملاح، مهرانگیز، (۱۳۵۸)، زنان پیشگام ایرانی: افضل وزیری دختر بی بی خانم استرآبادی، به کوشش زیبا جلالی نائینی و افسانه نجم آبادی، تهران: شیرازه.
- هاشمی، محمد، (۱۳۶۵)، مذاکرات مجلس شورای ملی در دوره دوم، ج ۳، تهران: امیرکبیر.